

شعله جاوید

ناشراندیشه های دموکراتیک نوین

برای اینکه روشنفکران بتوانند با توده ها درآمیزند ، زمان لازم است زمان برای اینکه آنها وتوده ها یکدیگر را متقابلا بشناسند . این روند یقین است که بدون رنج و برخورد زیاد طی نمی شود . ولی اگر شما کاملا مصمم باشید به مقصود خواهید رسید .

13 جون 1968

1347 هـ

پنجشنبه 23 جوزا

شماره یازدهم

" مضطرب "باختري

رد چرندیات خنده آور

استعمارگران کهن ونوین تاجاي که مي توانستند هستي ملل ستمکش جهان را بلعیده اند و هنوز هم مي بلعند اما امروز امپریالیستهای سراسر جهان وخواسته امپریالیزم آمریکا در حلقه : از تضادهای داخلی وخارجی اسیر مانده اند واین حلقه روز بروز تنگ تر مي شود .

پیکر فرتوت و گندیده این " قول پا گلین " از سوي در برابر خشم طوفان زا و بنیان کن ملل آسیا ، آفریقا و آمریکای لاتین همچون بی برگ و بارمی لرزد واز سوي دیگر مبارزه رنجبران وخلق ستمکش آمریکا که در مرکز آن خشم آتش زای سیاهان قرار دارد ضربات قاطع و هلاکت باری برپیکرش وارد مي کند توأم با این دومبارزه خصم افکن کار رقابت میان سرمایه های انحصاری نیز اوج گرفته و تا سرحد ترور و کشتار رسیده و درست بهمین دلیل است که عصر ما عصر زوال امپریالیزم و یکی از درخشان ترین چرخشگاه های تاریخ است درگوشه گوشه جهان این خلق است که درفش پرافتخار مبارزه پیگیر و بی امان خود را بر مي افرازد و طومار هستی مшти استنمار گر مغرور را درهم مي پیچد .

دراینکه عصر ما عصر زوال امپریالیزم و ارتجاع است شکی نیست اما هرگز نباید پنداشت که مرتجعین به اراده خود از مسند قدرت فرود مي آیند بلکه برعکس امپریالیست ها و مرتجعین در این واپسین دم به مار نیم کشته مي ماند که زهر آن مهلک تر و کشنده تر است درآخرین تحلیل امپریالیست ها ومرتجعین برای اینکه جنبش های نجات بخش خلق را از درون تخریب کنند عمال ومزدوران خود را درصوف خلق جا مي دهند و این عروسک های مومی که بقول پایه گذار بین الملل سوم " بدورکاسه داغ شوربای " اربابان خودمی رقصند باژست ها ی مردم خواهانه در آستان مرتجعین خدمت گذاری مي کنند در واقع اینان هنرمندانی هستند که به مقتضای زمان درنتاثر اجتماع نقش های تراژیدیک و کمیک خود را اجرا مي کنند ودرهال قیافه اصلی ایشان غیر از چهره ایست که درروي صحنه مي گیرند .

کارمبارزه تفننی این " مترقیان کاذب " بدانجا کشیده است که تا گلو در منجلاب رویونیوم و سازشکاری فرورفته و به " معقولیت " امپریالیست ها ومرتجعین دل بسته اند وشیوه مبارزه را طبق خواست اربابان خویش محدود نموده اند وهنگامیکه ارباب شان چین در جبین افگند ظاهرا بصورت مرگ باری شکوه سر مي دهند که :

" ارتجاع در زمینه سیاست داخلی درحالت تقنین وتوطئه است تا زمینه را برای اختناق عمومی تهیه ببیند وطومار این آزادی های نیم بند را که دست آورد مبارزات طولانی مردم ماست در هم پیچد و نیرو های ملی ودموکراتیک ، ترقی خواه و وطن پرست را بدنام و سرکوب نماید "

ما بارهاي گفته ايم و باز هم مي گوئيم که ايجاد توطنه و اختناق خصلت اساسي و انفکاک ناپذير ارتجاع است که تا لحظه مرگ دست از آن بر نمي دارد و فقط گاه گاه به منظور منحرف ساختن شيوه هاي مبارزه توده ، اغفال و اغواي مردم در نهايت به خاطر حفظ و تحکيم منافع خود ژست هاي دموکرات مآبانه مي گيرد و آزادي هاي را بصورت بسيار مجرد و درچوکات الفاظ به نمايش مي گذارد اما وقتي پاي خواسته هاي اساسي مردم به ميان آمد و بر منافع اصلي ارتجاع انگشت نهاده شد چون گرگ تير خورده به تلاش و تپش مي افتد و باقيافه اصلي خود به ميدان مي آيد و لي اين آرايشگران قيافه ارتجاع به مردم مي گویند:

خوب است به همين آزادي هاي مجرد دلخوش باشند و چيزي بالاتر از آن نخواهند زيرا طومار اين آزادي هاي نيم بند را که محصول مبارزات طولاني مردم ماست نيز در هم مي پيچد (1) بايد بدین " مترقيان کاذب " گفت : آقاين ! اين خلق است که تاريخ خود را مي سازد نه ارتجاع . خلفهائي کشور ما هرگز اجازه نخواهند داد شعله مبارزه با افسردگي گرايد بگذار ارتجاع دست از اين نمايش هاي مسخره بردارد و با قيافه اصلي خود با خلق روبرو شود درست در همان موقع است که با ضربات پيگير مبارزه توده ها پيکر فرتوت و لرزان آن از هم مي پاشد بهرحال گناه اين " مترقيان کاذب " نيست . آناني که به توده ها پشت کرده باشند و اشکال مبارزه را بدستور اربابان خویش محدود نمايند در چنته هاي مغز شان چيزي جز همين چرنديات خنده آور يافت نمي شود .

بگذار ! ايشان بدور اين نمايش هاي دلخوش کنک برقصند ولي توده در حال راه خود را يافتني است کاسه ليسان دستگاه اربابان زر مي گویند:

" درک اين مسايل حاد باين نتيجه عاجل ، ضروري و منطقي (!) مي انجامد که نيروهاي ملي ، دموکراتيک ، وطنپرست و ترقي خواه کشور مسئوليت خویش را در وضع مشخص کنوني درک کنند و نگذارند که نقشه فتنه انگيزي ارتجاع مورد عمل قرار گيرد و فهميده يا نفهميده آله تحريك تقنين و ماجراجويي قرار گيرند . "

اين عناصر ترسو که از روبرو شدن با توفان مبارزه سهمگين توده ها هراس دارند با همان ابزار هاي زنگ آلود ارتجاع بر فرزندان صديق خلق حمله مي کنند و تصادفي نيست که يك کرسی نشين بزرگ دولت ، يك حقوقدان مزدور و مرتجع با همقطارانش و اين " مترقيان کاذب " همه بيک صدا روشنفکراني را که فعالانه در مبارزات توده اي اشتراک مي نمايند به اخلاص گري و ماجراجويي متهم مي کنند اين هر سه صدا ، صدای ارتجاع است و لي از حنجره هاي متفاوت ارتجاع همه آناني را که ديروز براي اغواي مردم از هم گسسته بودند يکبار ديگر باهم مونتاژ مي کند و بدین ترتيب دست اندرکار يك اتحاد مقدس (!) مي شود .

اين آقاين تهی مغز فراموش کرده اند که مبارزه منشاء اقتصادي دارد و اگر تحريك و تبليغ مجرد موثري بود حالا شکم گنده ترين سرمايه داران نيز به صف کارگر مي پيوستند و ضرورتي به مبارزه قهرمانانه (!) ايشان هم احساس نمي شد.

به عقیده ايشان اين استبداد سپاه و فشارهاي گوناگون اقتصادي نيست که رنجبران را به اعتصاب ، مظاهره و مبارزه و ادار مي سازد بلکه عده محدود و انگشت شمار است که با تحريك و ماجراجويي اعتصاب و مظاهره راه مي اندازند . اين تضاد منافع طبقاتي نيست که انگيزه اعتصاب و مظاهره مي شود بلکه باز هم تحريك و ماجراجويي است .

کارگران آگاه و روشنفکران پيشرو کشور اين اهانت تاريخي را هرگز فراموش نخواهند کرد و در پرتو مبارزات دليرانه خود آنرا به کساني که برچسپ همچواتهامات چرکين و سپاه را به ايشان مي زنند همچنان در بست تحويل خواهند داد .

بالاخره این " مترقیان کاذب " برای اینکه خصلت انفکاک ناپذیر ارتجاع را پرده پوشی نمایند بدین گونه زمزمه پردازی می کنند :

" استفاده درست و به هنگام از وسایل و شیوه های مبارزه مطابق به شرایط عینی و ذهنی ، داخلی و خارجی کشور ، بخصوص مطابق به وضع مشخص موجود بدون ایجاد فتنه انگیزی ، تفرقه افگنی و ماجراجویی که بهانه ای برای حمله وحشیانه ارتجاع گردد " .

اصلا ارتجاع همان " گرگ بهانه جوی داستانی است ولی مرتجعین وطنی ما ادعا دارند که خصلت ارتجاع حمله وحشیانه بر قدرت های مترقی نیست بلکه این خود قدرت های مترقی است که بهانه حمله به ارتجاع می دهند " چه خوب می شد هرگاه رنجبران سرپای جهان به منطق درخشان (!) این آقایان گوش فرا می دادند و دست از مبارزه می کشیدند تا مبارزات ایشان بهانه حمله به ارتجاع نمی داد و ارتجاع هم آهسته آهسته یعنی آن سانی که " هم لعل بدست آید و هم یار نرنجد " حقوق ایشان را واگذار می شد راستی این طریق مبارزه بی خطر هم بود ولی چه می توان کرد که رنجبران جهان به منطق درخشان (!) این نازپروردگان تنعم و جنبش طلبان شوقی اعتنائی نمی کنند و به ایشان می گویند :

فقط آنانی که به توده ها پشت کرده باشند از تصور حمله ارتجاع به تب لرزه مرگ دچار می شوند ولی کسانی که به توده ها اتکاء دارند و از پشتیبانی توده ها نیرو می گیرند از وحشیانه ترین حمله های ارتجاع نیز هراسی ندارند چون میدانند که خلق در هر حال پیروز شدنی است .

دکتور رحیم محمودی

رویزیونیزم یا تجدید نظر طلبی

فلسفه ایست منفی و انحراف از جوهر انقلابی جهان بینی مترقی پیروان آن اپورتونیست و سازشکار و عناصری اند که در جامعه سوسیالیزم کاذب به ایدئولوژی پیشرو و بنیان گذاران آن خیانت می ورزند . اساس این مسلک سازشکاری را مردسست عنصری بنام برنشتین در سالهای 1888 و 1889 در لندن پخش کرد او این نظریات گمراه کن و ضد بشری خود را وسیله رشوه ستانی از سرمایه داران انگلیس قرار داد و بحیث سگ زنجیری لیدرهای بریتانیا تخم انشعاب و نفاق را در پهنای مسلک جهان بینی پیشرو پاشید که تا امروز پیروان و مدافعین استعمار نوین و این قماش مردم در جامعه ریا و کذب کمر به خدمت ارتجاع و استعمار بسته اند و اراجیفی برای یک عده ساده لوحان و خوش باوران تنظیم داده اند .

این مسلک در ماهیت خود خدمت به ارتجاع و امپریالیزم جهانی نبوده و به گمراه کردن توده ها و تغییر روح انقلابی کارگر به سویه ریفرمیزم رول دارد . عقیده دروغین برنشتین این بود که می گفت: باید ذریعه تکامل تدریجی (اولوسیون) به مقصد رسید نه از راه انقلاب . این دانش پاسیو و انحرافی پیوند وریشه ثابت بادگماتیزم یعنی (بدون چون و چرا یک موضوع را کورکورانه قبول کردن) داشته و به سویه اپورتونیزم در منجلا ب منافقت و سازش کاری و آشتی دادن طبقات سقوط می کند یعنی طبقات متضاد و انتاگونیستی را که منافع اقتصادی نقیض دارند به هم آشتی می دهند .

رویزیونیزم یا سوسیالیزم کاذب عمل تحریف آن علم مترقی است که رهبران بزرگ اساس ایدئولوژیکی و علمی را پی ریزی نموده و انسان قرن بیستم در عمل و بصورت مثبت از آن استفاده کرد . رهبر کبیر بین الملل سوم در این باره چنین نظر داشت " رویزیونیزم یکی از مظاهر عمده تاثیر بورژوازی پرولتاریا و فاسد ساختن کارگر از طرف بورژوازی است " این است مشخصات واقعی این بازی گران سیاسی مساعی رویزیونیست ها در تحلیل نهایی برای منحل ساختن احزاب پیشرو و یا تبدیل آن به یک سازمان ریفرمیستی است .

رویزیونیست ها می خواهند آموزش علمی مترقی را لکه دار ساخته و جهان بینی پیشرو را از مداخله تلقی و روح انقلابی رنجبران را فلج و اصل مرکزیت دموکراسی را در احزاب مترقی نقض کنند و آنرا بمثابه (مجالس شورای بورژوازی و یک انجمن مباحثه) تبدیل نمایند . تجدید نظر طلبان ، امروز به نسبت جنبش جهانی پیروان اندیشه های مترقی و (رد هجویات لا یعنی) آنها آشکار برای انحلال احزاب سیاسی مترقی جرئت نمی توانند، اما این عمل را جیونانه و شیدانه با کمک و سازش کاری بورژوازی و امپریالیزم در خلال تصفیه این احزاب اجرا می دارند . این تصفیه ها ویران نمودن بنیادی این احزاب است از درون و نقش خائنانه ایست برای از هم پاشیدن بنای با عظمت جهان بینی پیشرو اشخاص رسیده و مترقی واقعی را از صفوف مبارزه خارج و به کارهای اداری می گمارد و در عوض عناصر فاسد را که طبیعت و خصلت بورژوازی و سازشکاری دارند . در حلقه های حزبی تمرکز میدهد و با این عمل سالوسانه به تشکیل طبقه ممتاز در داخل حزب پرداخته و با سوء استفاده تئوری (به هرکس مطابق کارش و از هرکس مطابق استعدادش) که خود را نقض و تحریف نموده اند، از یکطرف این سرمایه مشربان را به معاش کافی می پذیرند و از جانب دیگر آنها را در راس مؤسساتی قرار می دهند که عایدات غیر مشروع نیز داشته و اندوخته های ازین طریق بدست می آورند بدین وسیله احزاب را از داخل می شارانند و در بیرون ظاهر فریبنده ای به آن می دهند .

رویزیونیست ها در بسا ممالک اروپایی و امریکایی و یک عده ممالک آسیایی، مانند موریانه در بنیه حلقه های جهان بینی مترقی چسبیده اند و خفاشانه و دزدانه به خیانت های دامنه داری دست به کار اند . آنها با بی ایمانی و پیمان شکنی تلاش دارند به بهانه و حیل گوناگون بنام توسعه دیوکراتیک در داخل این احزاب انضباط و استحکام آن را از هم ریزند و راهی برای رخنه نمودن افکار سرمایه داری در داخل این احزاب باز و برای تشکیل و تولید اکثریت و اقلیت و طرق انشعاب و تفرقه ایجاد و ساحه مراکز حزبی را به میدان نبرد، تضاد و پرگویی جهت تضعیف وحدت و انضباط این احزاب بدل نمایند . رویزیونیست ها در ظاهر زیر ماسک های خطرناک مبارزه ضد دگماتیسم، اپورتونیزم و سکتاریزم قد علم می کنند که این عمل شان برای مردم بی تجربه و خوش باور جهان خطر جدی در بر دارد و به گمراهی (موقتی) این عده موجب می شود . اینها برای تعویض تزه های جهان بینی پیش رو زیر این لباس ها به خیانت تاریخی می پردازند . اما " از آن جائیکه تاریخ عرصه فرسایش کهنه و زایش نو است . جهان بینی پیش رو همواره از نو آوری های زمان بهره می گیرد و برای شناخت پدیده های تازه راه های نوینی در می یابد و به پیش می رود." رویزیونیزم هم ازین قانون مستثنا نبوده و در فرجام با تزه های منحرف خود در زباله دان تاریخ مدفون می گردد .

ایدئولوگ های رویزیونیست سعی می نمایند تا تمام تیوری های اساسی علوم مترقی را تجدید نظر طلبانه و سازش کارانه به نفع طبقه استثمارگر وفق دهند . و به پیمانانه جهانی برای زیر یوغ نگاه داشتن خلق های جهان مخصوصا (آسیا ، آفریقا و امریکایی لاتین) و استثمار این خلق ها تحت نقشه ها و پلان های استعمار نوین با سازش کاری و شرکت با امپریالیزم جهانی سفسطه های روی کاغذ طرح و برای گمراهی این اقوام به آنها این طور پیش نهاد می نماید مبارزه مسالمت آمیز، راه رشد غیر سرمایه داری ، و حکومت دموکراسی ملی و رسیدن به این اهداف از طریق .

(باقی دارد)

س . س

(کارگرتنه)

په پلاس او په انبور دي استنمار پاره پاره کړه
 شابه شابه اي کارگره خپل ايمان غيرت بنکاره کړه
 مال دي هسي مفت خواران خوري ، چه په سر باندي بند نشي
 دهدف چه لوري درومه ، خو په وينو لژند نشي
 ورك له خپله چاپيريانه طفيلي او بيکاره کړه
 شابه شابه اي کارگره خپل ايمان غيرت بنکاره کړه
 داخوري غوري وعدي چه ارتجاع در کوي تا ته
 پام کړه ، پام کړه غلط نشي کوپري بي کړه ورماته
 ته زمري بي خيري دا گيډره مکاره کړه
 شابه شابه اي کارگره خپل ايمان غيرت بنکاره کړه
 په زحمت او زيار خمکي ، راوکاري سره لعلونه
 ستا دمت په قوت مست دي ، بناماران کوي عيشونه
 پتک واخله نژدي واردي ، بناماران تري آوره کړه
 شابه شابه اي کارگره خپل ايمان غيرت بنکاره کړه
 ستا قوت دشمن هائي دي ، پاڅه ما نه پنچره کړه
 داملي خائينان واره په خپل حکم غرغره کړه
 له فاسد و سروجوره په ډگر کي مناره کړه
 شابه شابه اي کارگره خپل ايمان غيرت بنکاره کړه
 پاڅه پاڅه ولي ؟ ناشتايي خانه نوي ژوندون جوړه کړه
 دکلو وري شاهين ، ددبنته په غوښو مورکړه
 مست سيلاب شه انقلاب شه ارتجاع په تراره کړه
 شابه شابه اي کارگره خپل ايمان غيرت بنکاره کړه

لهيب

-2-

بازهم نقض وحدت در پرده فرياد هاي وحدت طلبي

آگاهانه ويا غير شعوري آنرا دنبال مي کنند - متحد شد . اساس اتحاد ، وحدت ايدیولوژیک است. درینجا پرسشي به خاطر مي آید که دراتحادي که بين عناصر مختلف مرکب از رنجبران ، دهقانان، نیمه رنجبران و طبقه متوسط براي پي ريزي ساختمان جبهه متحد ملي دموکراتیک ضد فئودالي و ضد بورژوازي کمپرادور بعمل مي آید . چون طبقات متمایز از هم در آن اشتراك دارند که هريك داراي طرز تفکر طبقاتي مخصوص خود است چطور اين وحدت پا بر جا مي ماند ؟ نباید فراموش کرد که درین اتحاد هر کس حق ندارد ایديولوژي خود را برحسب دلخواه و به صورت کلي وعمده تبليغ نموده و سکان کشتي اين جبهه را بر ميل ومرام خود بهر سمتي که مایل باشد براند بلکه تا وقتي و تا آنجا جبهه متحد و ملي است که همه طبقات آن از ایديولوژي و روش رنجبرترین طبقات يعني کارگر پيروي و پشتیباني کند و رهبري بدست او باشد . صرف کارگر است که مي

تواند ساکنان را باشد و بس. هرگاه هر یک از آنان نخواهد از پیروی اصول کارگری سربازند خاصیت ملی بودن خود را از دست می دهد و خصیصه ضد ملی و ارتجاعی اختیار می کند که هیچگاه با وی نمی توان همدست شد بلکه او آشکارا در صف دشمن قرار می گیرد فرضاً بوژوازی ملی تلاش های مذبحخانه بکار می بندد تا قدرت را به کف گرفته و خود را به صفت طبقه حاکمه سیاسی بالا برد. در اینجا او دگر ملی نیست و نباید یکقدم متحداباوی برداشت بلکه باید لبه تیز مبارزه را همچنان که به جانب دشمنان خارج جبهه است بسمت او نیز متوجه ساخت اما اگر رهبری درست و علمی از طرف رنجبران صورت گرفته و هوشیاری خود را از دست ندهند. این رنجبران اند که خود را به حیث طبقه حاکمه بالا می برند و داغ را بدل بورژوازی ملی می گذارند. پس وقتی رنجبران مجال چنین کاری را به ایشان بدهند در اینجا ایدیالوژی طبقه رنجبر است که حاکمیت دارد و جبهه را به پیروزی می کشاند. اینکه اکنون نظر به شرایط عینی اجتماع ما چون رنجبران هنوز نمی توانند قدرت را به کف گیرند و به صفت پیش آهنگ طبقات مترقی و ملی داخل اقدامات

" باقی دارد "

کارکنان محترم شعله جاوید :

ما 72 نفر کارگران از همه چیز محروم سمنت غوری پلخمری ضمن اینکه همبستگی و پیوند خود را با تمام کارگران فعال و پیشرو افغانستان اعلام می داریم و هم خاطر حق پامال شده خود و آنها دست به اعتصاب زده ایم از شعله جاوید که انعکاس دهنده آمال و آرزو های ماست و با ما در افشای مرتجعین و سازش کاران همکاری می نماید تمنا داریم که این خواست های ما را در جریده خویش نشر کند، تا همه رنجبران و توده ها مردم بدانند که بار سنگین یکعهه قلیل مفت خوار برگرده های ما سنگینی می کند. طبقه مرتجع حاکمه افغانستان به عناوین و دسیسه های مختلف نگذاشته است تمام رنجبران و توده های استثمار شونده باهم متحد شوند تا این کاخ ظلم و ستم را ویران کنند حتی امروز این وظیفه ننگین و شرم آور را " دوستان دروغین خلق " به عهده گرفته اند.

اما بگذار آنها تلاش های مذبحخانه خود را جهت خاموش ساختن آتش مبارزه توده ها انجام دهند زیرا روزی فرا رسیدنیست که ما این دشمنان افعی صفت را در زیر ضربات ودان های کارگری خود خورد و ریزه خواهیم ساخت.

خواست های ما که با خواسته های سار کارگران شبیه است قرار ذیل است:

- 1- معاش ما به اندازه ای ناچیز است که شکم خود و فامیل خود را سیر کرده نمی توانیم ازینرو معاش کافی برای ما پرداخته شود.
 - 2- نسبت اینکه معاش ما کم است باید هر فرد فامیل یک کارگر از نگاه صحت و مریضی بیمه شود، و کرایه خانه نیز تادیه شود.
 - 3- در هر سال دودست لباس کار توزیع شود و موتور و وسایل نقلیه برای حمل و نقل ما آماده گردد.
 - 4- از ذخیره معاش و ماکولات و کوپون حد اکثر باید استفاده شود.
 - 5 - چون در یک هفته از شش بجه صبح تا دو بجه بدون کدام وقفه مسلسل کار می کنیم از اینرو جهت رفع خستگی باید بروز های پنجشنبه از ساعت دوازده رخصت گردیم.
- این بود خواسته های فعلی ما که به اتکاء به نیروی خود و مبارزه پیگیر به گرفتن آن نایل خواهیم شد (زنده باد همبستگی و اتحاد کارگر های افغانستان)

شعله جاوید: در حالیکه خواسته های این کارگران رزمنده و دلیرا منعکس می کند یکبار دیگر دعوت کبیراتحاد و همبستگی ایشان را به سایر هم رزمان شان می رساند. بعقیده ما نیز اتحاد رنجبران، دهقانان و نیمه رنجبران است که می تواند پاسخگویی خواسته های برحق کارگران و سایر رنجبران

کامل در صف مظاهره کنندگان جاگرفتند. دهقانان و دیگر عناصر مترقی گلبهار نیز درحالیکه با گرم جوشي استقبال مي گردیدند این جنبش شکوهمند را پذیرا شدند. کارگران درحالیکه طنین نعره هاي شورانگيز شان دردل کوهپایه هاي اطراف مي پیچید به افشاي همه جانبه غارتگری هاي کارفرمایان پرداختند که نکات اساسي پايان را بصورت مشخصي توان ذکر کرد.

الف: افشاي اینکه پول و مواد خام فابریکه در منازل شخصی به مصرف مي رسد.
ب: پرده برداري از سيماي پليد مسترياني که به منافع طبقه خویش پشت پازده وجدان خود را در گرو پول کارفرمایان گذاشته اند.

ج: افشاي اینکه هیئت مدیره نساجي براي اغوي کارگران تادیه چهارونیم میلیون افغاني را از سرجمع بیلائس براي کارگران پیشبینی کرده بود ولي بعد از آنکه کارگران در عقب دستگاه ها تن فرسايي کردند و آنوقت باصطلاح آنها از آسیاب افتاد و این مبلغ نیز صرف عیاشي و خوشگذراني کارفرمایان شد.

درمحل اجتماع کارگران چند نفر از وکلا هر دو جرگه مي خواستند با همان وعده هاي که هرگز از قوه به فعل نخواهد آمد جلو تظاهرات کارگران و سایر هم زنجیران ایشان را بگیرند ولي کارگران پیشرو و آگاه گلبهار که دیگر احساس کرده اند حصول حق راهي جز مبارزات پیگیر و اتکاء به نیروي خود ندارد کرسی نشینان پارلمان را که کاري جز پرده پوشي قیافه غارتگران طبقه حاکمه ندارند شدیداً محکوم نموده فریاد مي زدند شما خود اعتراف مي کنید که به هر يك راي صد افغاني پرداخته اید بروید و در فکر تلافی پول خود باشید که شما هرگز وکیل ما نیستید.

بالاخره با وساطت وکیل قره باغ دولت و سایر کارفرمایان نساجي تا روز 5 شنبه 23 جوزا مهلت خواسته اند ولي اعتصاب کارگران همچنان ادامه دارد خواست هاي این کارگران رزمنده و دلیر قرار آتی است:

- 1- تاسیس اتحادیه کارگر براي دفاع از حقوق ایشان.
- 2- تجلیل روز بین المللي کارگر.
- 3- عزل چهار نفر از رؤساي بیداد گر فابریکه که کاري جز سلب حقوق کارگر ندارند.
- 4- مبارزه با برطرفي هاي غیر قانوني و کاملاً ظالمانه چنانکه تنها در ظرف سال 46، 2500 الي سه هزار کارگر فقط به جرم اینکه از اوامر بیدادگرانه آمران چپاولگر خود به اصطلاح اطاعت نکرده اند بیکار گردیده اند.
- 5- مبارزه براي حصول 70 روز رخصتي بامعاش.
- 6- تضمین و تامین مصئونیت زندگی فردي و اجتماعي و پرداخت حقوق تقاعد بعد از بازنشستگی.
- 7- مبارزه بخاطر افزودي معاش زیرا در حالیکه هیئت مدیره % 20 افزودي را پذیرفته اند اما این افزایش ندرتا تا % 15 میرسد ولي خواست اساسي کارگران درین قسمت افزایش % 50 معاش است.

8- مبارزه در راه حصول بیمه صحي براي کارگران و خانواه ایشان بصورت رایگان یعنی همچنان که کارفرمایان از چنین بیمه ها برخوردارند

9- جلوگیری از رشوه ستانی در فرصت استخدام.

10- کارفرمایان نساجي در برابر قطع يك انگشت 250 افغاني مي پردازند درحالیکه ارزش انگشت پرهتر کارگر را هرچند نمی شود با پول معین کرد ولي صد ها مرتبه بیش از این مبلغ مي ارزد لذا مبارزه در راه ریشه کن ساختن این بیدادگری آشکارا و وادار ساختن کارفرمایان به تادیه کامل و عادلانه جبران خسارات در هنگامی که کارگر معیوب مي شود و جراحت بر مي دارد.

11- مبارزه با شرایط دشوار امتحان که در فرصت ارتقاي به درجه باشي و سرباشي حتي از سویه صنف نهم نیز بلند تر است.

- 12- جلوگیری از کشیدن مجرای بیت الخلاء های فابریکه به دریای پنجشیر که مردمان این خطه ها را مبتلا به امراض گوناگون می نماید .
- 13 – مبارزه در حصول بورس های تعلیمی برای اندوختن معلومات بیشتر زیرا در حال حاضر این بورس ها فقط مال تملق پیشگان است .
- 14 – تنظیم و ترتیب درست نان چاشت و شب به خاطر اینکه آنچه اکنون به کارگران داده می شود کاملاً فاقد ارزش غذایی است .
- 15- مبارزه در راه ایجاد شرایط بهتر کار و تهیه غذا و لباس به کارگرانی که خارج از حوزه تولیدی از قبیل تعمیرات ، ترانسپورت ، نجارخانه و غیره مصروف کار اند .
- شعله جاوید : درحالیکه از یکایک خواسته های کارگران مبارز و قهرمان نساجی گلپهار پشتیبانی می نماید درود گرم و آتشین خود را به کارگران و روشنفکران هم‌رزم ایشان تقدیم نموده و با قاطعیت کامل اعلام می دارد کارگران و روشنفکران واقعی کشور برخیزید به خاطر نیل به پیروزی درفش پرافتخار مبارزه را برافرازیم و بسوی افق روشن فردا دست در دست همدیگر متحداً مارش کنیم .

فتنه گری های ارتجاع در صفوف کارگران

اعتصاب کارگران قهرمان جنگلک هنوز هم ادامه دارد . کارفرمایان فاسد که بخاطر منافع طبقاتی خود حاضر به پذیرش خواسته های برحق کارگران نیستند می خواستند با تطمیع عده از کارگران اعتصاب شکنی را در صفوف شان راه بیندازند ولی نمایندگان راستین کارگران جنگلک فتنه گری های ارتجاع را افشاء و کارگران را به همبستگی و اتحاد دعوت نموده خطاب به هم‌زمان خود گفتند: هرگاه مزدوران ارتجاع را در صفوف خود جا دهیم و یا وجدان خود را در گرو پول ایشان بگذاریم ، شکست ما در سنگر مبارزات بعدی امریست حتمی و اجتناب ناپذیر .

شعله جاوید : ما ایمان کامل داریم که فتنه گری های ارتجاع در صفوف کارگران هرگز نمی تواند شعله مبارزات این موج پیشتر و دوران ساز را خاموش ساخته و باز هم به استثمار و بهره کشی خود پردازند .

ازکارجو

نامه کارگران ستمکش کمپنی هوختیف

تقریباً مدت 8 سال است که امپریالیستهای ستمگر جرمنی در فابریکه بزرگ حجاری و نجاری جنگلک را بدست دارند و ما کارگران را مورد استثمار و بهره کشی قرار داده اند .

کرسی نشینان داخلی و آله دست امپریالیست های خارجی (ارتجاع داخلی) که درازای این بهره کشی و استثمار نفع می برند قانون کار و کارگر را به نفع باداران خارجی خود تنظیم نموده اند. و سالانه از معاش ناچیز ما کارگران مقداری به نام تکس می ربایند و علاوه بر روزهای جمعه و بعد از ظهر پنجشنبه - عید - جشن و کرسمس نیز به ما معاش داده نمی شود . در صورتیکه کارگران دیگر فابریکه ها در این روزهای رخصتی مستحق معاش می گردند و از طرف دیگر، از افزودی معاش، بیمه صحتی ، کوپون و رخصتی های قانونی خبری نیست و نیز لت و کوب بیرحمانه کارگران از طرف جرمن ها در این فابریکه به کثرت دیده می شود .

ما از کارکنان شعله جاوید که یگانه جریده ایست که آمال و آرزو های طبقه رنجبر را منعکس می سازد خواهشمندیم تا این صدای ما را بگوش خوانندگان و رنجبران دیگر برسانند . و ما بدین عقیده هستیم که آرزوهای ما وقتی برآورده می شود که با تمام طبقات ستمدیده یکجا شویم و دست به یک مبارزه مرگ و زندگی با دشمن طبقاتی خود بزنیم .

شعله جاوید : مبارزه در برابر این حرکات فاشیستی را وظیفه خود دانسته باثبات و پایداری، خویشتن را هم‌رزم کارگران قهرمان هوختیف میداند .

روزیازدهم جوزا متعلمین لیسه شیرخان قندز نظر به اینکه مقامات مسئول خواسته های آنان را که عبارت از تاسیس کتابخانه ، کنفرانس در هر دو هفته یکبار و غیره مطالبات آموزشی بوده مورد قبول قرار نداده بودند ، دست به مظاهره زدند. اگرچه پولیس آشکار و مخفی ارتجاع نمی گذاشت که مظاهره از محوطه لیسه خارج شود اما روشنفکران مترقی بزودی آنان را از صفوف خویش رانده و درحالیکه شعار می دادند :

زنده باد اتحاد رنجبران و روشنفکران مترقی ، مرگ بر فرهنگ پوسیده استعماری .
ازلیسه خارج شده بسوی دارالمعلمین رهسپار شدند و در راه در چوک قندز سخنرانی های ایراد کردند. در این وقت پولیس می خواست از درآمیختن جوانان و توده ها جلوگیری کند ولی توده ها صفوف پولیس را از هم شکستند و با فرزندان خویش درآمیختند . هنگامیکه صفوف درهم آمیخته متعلمین و توده ها به دارالمعلمین رسید جوانان دارالمعلمین از مظاهره با شور و هیجان رزم انگیز استقبال کردند و با آنان یکجا شدند و دوباره بسوی شهر حرکت کردند .

کارگران آگاه سپین زر هنگامیکه شعارهای پرخروش مظاهره کنندگان را شنیدند خواستند از محوطه فابریکه خارج شده با آنان همگام شوند اما نیروهای که از طرف طبقه حاکمه گسیل شده بود از خروج آنان جلوگیری بعمل آوردند.

این تظاهرات شکوهمند تا ساعت پنج بعد از ظهر ادامه داشت . آنگاه که ختم موقت تظاهرات اعلام گردید متعلمین از مظاهره خویش چنین نتیجه گیری کردند :

- 1 – تازمان نیل به برآورده شدن کلیه خواسته های خویش از مظاهره دست نمی کشیم .
- 2 – روشنفکران بدون پیوند با توده ها نمی توانند به پیروزی برسند و برای رسیدن به هدف باید باتوده ها بیامیزند از آنها بیاموزند و به آنها بیاموزانند .
- 3 – عناصر مخرب و جاسوسان نقاب پوش را از صفوف خویش رانده و به افشای ایشان می پردازیم.

روزیکشنبه نهم جوزا متعلمین اکادمی تربیه معلمین دست به اعتصاب زدند .

براساس گذارش خبرنگار ما خواسته های آنان چنین است :

- 1- اجرای معاش تمام فارغان دارالمعلمین ها از روزیکه دوره تحصیل شان به پایان می رسد.
- 2- چون متعلمین دارالمعلمین ها سی و سه فیصد مضامین مسلکی را در جریان تحصیل تعقیب می کنند بناء در امتحان کانکور نیز باید سی و سه فیصد سوالات از مضامین مسلکی باشد .
- 3 – شصت فیصد چانس شمول پوهنتون .

4 – مبارزه برضد استعمار فرهنگی یونسکو متعلمین آگاه اکادمی تربیه معلمین ضمن سخنرانی های خویش که در محوطه اکادمی ایراد می کردند، به تقبیح سخنان میان تهی کرسی نشین بزرگ وزارت معارف که در جواب خواسته های شاگردان اظهار داشته بود " مریض هستیم " ولی درست چند ساعت پس از آن در یک مجلس اشرافی حاضر شده یکساعت کامل سخنرانی کرده بود، پرداختند .

کرسی نشین بزرگ وزارت معارف که سالها در آن وزارت متصدی شاغل بزرگ بوده در پاسخ خواسته های شاگردان اظهار داشته اکادمی تربیه محصلین در کجا واقع است و فارغ التحصیلان آن به چه کار ها گماشته می شوند (!)

اعتصاب شاگردان اکادمي تربيه معلمين تاکنون ادامه دارد و ایشان اظهار داشته اند که تا هنگام برآورده شدن کلیه خواسته های خویش از اعتصاب دست نخواهند کشید .

شعله جاوید : براساس آخرین گزارش خبرنگار ما شاگردان اکادمي تربيه معلمين دست هيئت تدريسي و اداري را از امور مکت کوتاه ساخته و اداره اکادمي را بدست خویش گرفتند .

ما به شاگردان مترقي و پیشآهنگ اکادمي تربيه معلمين درود مي فرستيم و ايمان عميق داریم که آنان باثبات و پيامردي در راه مبارزه و تحکيم همبستگی خویش سردمداران فرهنگ ارتجاعي را به زانو خواهند آورد .

زمونر خبريال د پکتيا دولايت له مرکزخه خبر راکوي

چه دسه شنبه او چهارشنبه په ورځو د جوزا په 14 - 15 نيټو ددارالمعلمين او د عبدالحي گريدزي د لیسونورو لمړنیو ښوونځیو په گډون یوه بي ساري مظاهره د لومړي ځل دپاره جوړه شوي وه که څه هم د حکومت نظامي قواي غوښتل چه په دسیسو او حيله گري مظاهره چيان پري نژدي چه سره متحد شي او حتي خپل عسکري قوت يي هم دمظاهره چيانو دتیت او پرک کولو لپاره وويست مگر د پکتيا : باننگو ځلمو د بزگرانوپه ملاتړ خپل نورو هم سنگرو ملگرو سره يو ځاي شول او خپلو مظاهرو ته يي په خورا انضباطي توگه دوام ورکړ او په اخيرکښي مرتجع حکومت ته د مظاهره کونکو له ځواکک اخطار ورکړل شو چه بايد حاکمه طبقه زمونر دالاندنيو پيشنهادوته مثبت ځواب وکړي .

اوکه چيري ورته کړي مونر ترآخره خپلي مظاهري ته دوام ورکړو او په تشو راديوني خبرواو کاغذ پراني مونر اوس نشي غولولي حکه چه ديروخت مونر تول ملت و غولاوه چه په حقيقت کي ترکاسي لاندي نيمي کاسي وجود درلود او اوس مونيمه کاسه په حرگند دول وپيژندله نو له دي کبله تر اخيره خپلي انقلابي مبارزي ته ددغر مرتجعينو چه دحکومت دچاروواگي په لاس کي لري دوام ورکوو ترڅو چه زمونر حقه حق راکړل شي .

- 1 - دتدریس لپاره دابتدائي وسايل لکه تعمیر - درسي مواد - او د ښوونکي برابرول .
 - 2 - ديوي داسي کتابخاني جوړيدل کرل چه دشاگردانو دتعليمي سويي په لوړولو کي مرسته وکړي
 - 3- دهغو بنديژ ونولري کول کوم چه مرتجع حکومت يي دملي جريدو اوپه مقابل کي لگولي دي .
 - 4 - دهغو آزموينولغو کول کوم چه په اصطلاح امريکايي متخصصين دکانکور په نامه دپوهنتون دشاملیدو لپاره اخلي چه په حقيقت کي دغه امتحانونه يوه طبقاتي بڼه لري او يواځي په اصطلاح نجيبه طبقه کاميابيري او نوريي وژله او بي واسطه زده کوونکي چه خلاق او مبتکر استعدادونه لري ناکاميري .
 - 5 - دهغه فرهنگ او تعليم بيخي له منځه وړل کوم چه تري داستعماري او ملاکي بدبويي خيژي .
- شعله جاوید : چه ځان ددغسي مبارزينو هم ځنځير بولي ، د پکتيا د با دردو مبارزينو مظاهري که په درنه سترگه گوري او د دوي د مظاهرو حخه چه خورا عادلانه مبارزه ده په کلکه ملاتړکوي.

صاحب امتياز و مديرمسئول
داکتر رحيم محمودي
آدرس: حصه اول جاده ميوند
حساب در پشتني تجارتي بانک
(7274)
حق الاشتراك
قيمت هر شماره دو افغاني
هر پنجنشنبه نشر مي شود
مرکز 100 افغاني
ولايات 110 افغاني
خارج 10 دالر
دولتي مطبعه

(بازتايپ کننده " حبيب ")